

از منزل و عیال، تا مکر و حمام زنانه...

هزار جمله از برابری زن و مرد می‌گوییم و در شعار، تا عرش را برای خود کافی نمی‌دانیم اما در هزار توی وجودی‌مان، هنوز معتقد به «جنس برتر» هستیم.

نمی‌دانم این را باید فرهنگ جا افتاده تلقی کنیم یا نه، ولی گاه از زبان زنان می‌شنویم که قول و قرار محکم و استوار میان خودشان را می‌گویند: «قول مردانه!». یا در مثال، برای نشان دادن بزرگی کار یک زن گفته می‌شود: «مثل یک مرد یک تنه فلان کار را کرد!»

قبول دارم بسیاری از عبارات و تمثیلات ما از سال‌های دور و بر مبنای جامعه مردسالار شکل گرفته و مرسوم شده است - مثل: خیلی مردی!، مردانه، جوانمرد و غیره - و بسیاری از مثال‌ها هم در نفی شخصیت زنان از زمان‌های دور باقی مانده است، مانند: ضعیفه، منزل، مکر زنانه، خواب زن، حمام زنانه و بسیاری دیگر؛ اما شنیدن این عبارات از زبان زنان، حس و حال ناخوشایندی دارد.

در دوره و زمانه امروز، حتی در جامعه خودمان آنقدر مثال نقض برای این عقاید در مورد ضعف زنان یافت می‌شود که دیگر بیان آن از حوصله خارج است. شاید با به دست آمدن فرصت‌هایی که قبلاً برای خانم‌ها نبود، بتوان تصور کرد که اگر در تمامی زمینه‌ها و در همه جوامع کوچک و بزرگ این فرصت برابر به وجود می‌آمد چه نتیجه‌ای از توانایی خانم‌ها حاصل می‌شد! پس لازم است کم کم تمامی ما - و به ویژه اول خانم‌ها - خودشان به قدرت و توانایی‌شان ایمان پیدا کنند و خود را مصرف کننده امکانات فراهم شده توسط آقایان (چه پدر و چه همسر) نشمارند تا به مرور این افکار نادرست و نامتناسب درست شود. در واقع ضمن آگاهی و قبول اختلافات روحی و جسمی میان زنان و مردان، که در برخی مسائل توانایی‌های متفاوتی برای آنان ایجاد می‌کند، باید به درست نبودن «جنس اول و دوم» ایمان پیدا کرد و قدرت فکری هر دو جنس را محترم شمرد.

روایتگر امروز، که مخاطبان به خوبی توانایی‌هایش را می‌شناسند بر نکته‌ای تقریباً مرتبط با سخن بالا دست گذاشته است. گاهی زمانه به اجبار، افراد را در موقعیت‌هایی عجیب قرار می‌دهد که لازم است تمام فکر و گذشته خود را فرو بریزند و از نو بسازند. انگار تصورشان از زندگی کاملاً باید تغییر کند و به شکلی متضاد در آید. مثل فرو ریختن کاخ آرزوها، مثل کشیده شدن فرشی زیبا از هزار نقش ترمه از زیر پا که اگر خود را ببازی، فرصتی برای بلند شدن نخواهی یافت.

با قصه و تجربه‌اش هم مسیر شوید، مثل همیشه شنیدنی است.

بهمن رحیمی

فروردین‌ماه ۱۳۹۸ - تهران